

فهرست

مصراع اول غزل‌ها در پایان کتاب آمده است

۶۰	عشق بی‌خود	۱	پیش‌گفتار و سپاس‌گزاری
۶۲	عقل بیچاره	۳	مقدمه
۶۴	اندازه ندارد که چه شیرین سخنی		اظهار عشق
۶۶	خاک بازار نیرزم		سرّ عشق
۶۸	سخت‌تر از سنگ	۲۸	که هنوز من نبودم...
۷۰	همچنان طبعم جوانی می‌کند	۳۰	صبح قیامت
۷۲	عیش را بی تو عیش نتوان گفت	۳۲	حیف باشد که تو بار من و
۷۴	بلای عشق تو		من یار تو باشم
۷۶	چون دوست دشمن است	۳۴	درد عشق
۷۸	مگر تو روی بپوشی	۳۶	عشق و شکیبایی
۸۰	اکنون که بسوختش خطر نیست	۳۸	نوبت عاشقی
۸۲	عشق اختراع من نبود	۴۰	عقل ندارد کفایتی
۸۴	که من از عشق توبه نتوانم	۴۲	من این پیرهنم
۸۶	قدم بر دو چشم سعدی نه	۴۴	کبوتر و باز
۸۸	من توبه شکستم	۴۶	من توبه نمی‌کنم
۹۰	نام سعدی به عشق بازی رفت	۴۸	شهر بند عشق
۹۲	طواف کعبه	۵۰	در دامن آویزد
۹۴	عشق در بهار	۵۲	کدام عیب؟
۹۶	من حیرانم	۵۴	داستانی‌ست که بر هر سر بازاری هست
۹۸	ماه و نهال	۵۶	بیرم بار گرانت
۱۰۰	کاروان عالم اسرار	۵۸	

۱۴۸	تحمل نکنم بار جدایی		وصف معشوق
۱۵۰	آبگینه شکسته	۱۰۴	... برهنه اندامت
۱۵۲	آن صبح کجا رفت	۱۰۶	شکر و عسل
۱۵۴	روز و شب مستم	۱۰۸	معجز و کرامت
۱۵۶	زندان عشق	۱۱۰	چه شیرین دهن است آن
۱۵۸	بند تنهایی	۱۱۲	لعلی چو لب شکر فشانت
۱۶۰	منزلگه احرار	۱۱۴	لب شیرین شکر بار
۱۶۲	حد جنایت	۱۱۶	با تو صورت دیوار در نمی گنجد
۱۶۴	وجود حاضر غایب		
۱۶۶	یاران صبحی ام کجایند		وصال
۱۶۸	کمند شوق	۱۲۰	جهان گلزار می بینم
۱۷۰	سیمرغ و زاغ	۱۲۲	شور عشق
۱۷۲	وداع	۱۲۴	در آغوش یار
۱۷۴	چو بلبل آمدمت	۱۲۶	دیدار با یار
۱۷۶	مجال صبر تنگ آمد	۱۲۸	مبادا که گنجی ببیند فقیر
	اخلاقی / عرفانی	۱۳۰	در آتش چو خلیل
۱۸۰	مکان آدمیت	۱۳۲	لکم دینکم و لی دینی
۱۸۲	ملک گدایان	۱۳۴	شب وصل
۱۸۴	کشته شمشیر عشق	۱۳۶	پستان یار
۱۸۶	بگذار تا بیفتد و ببند سزای خویش	۱۳۸	گدا و پادشاه
۱۸۸	بنیاد بقا محکم از اوست	۱۴۰	اکسیر عشق
۱۹۰	با تو همین ماجرا رود	۱۴۲	وصال با دوست
۱۹۲	عالم درویشان		فراق
۱۹۵	نمایه‌ی مصراع اول غزل‌ها	۱۴۶	شب تنهایی